٤ شنبه ٧٥ برج دلو ١٣٠١

الله المثاخب المثياز ومدير مساول : "داور تناينده دارالشوراي ملي

منحد اول ۱۳ ملی است 

معدل اواره \$ طهران خبا بان علاء الدو له

was made you are or time & interest وه ما الما وواشد اوس

۷۴ هلو

الم المرودكة المرادد كان ميرودكه من المراجع فله كامل ارويا بررعالم وكور مسلم وقعلى أرت و أسيا المسقه -قسايم إ قضا و قدر - مثل أينكم منتظار فرمان است و كافي است كه متمرضين فالموسش نقط امر بدهند أَ عُود وا تُقديم شيون أن ها كند" المناف ا

الما المستد المراب و منيد -﴿ ١ ﴿ ١ ﴿ إِنَّا عَمْرِينَ الْمُهِ - آخْرِينَ وُورَ شرافتش الله مبكاسه ووالم Sulver a street street street with المالية المال على كان المن الداعد خود المالية الما تعله - ولي اميدوارات ب امید و آوزوی عال - آوزوی شيبه ببخولي : امبد وار است بك ميجزوني فإيد و معاش دهداا

الما الما المورد مورد كرك ا والون كه اروا حبق منظر البود يه الله الم المالونك الروا تعورس الله انست المراجعة الم للها في الله طبيات أسيا عروج عدا \* وي عديدا في المناهدية ( والمتود بداد ) ابن میلکت که را بدول نویسنده و الوجهان علم طنياف اسيا را دو ا مادل الموات بلند كرد بهه و سيله مستقل و

وعليم الثان عداد المان المان برای مساوات و ازادی و آستقلال قصيلة وفؤل ساخت الخد روزی دو هزار دور تسیح به استبداد و حكام جور و مامورين بخو

( بریده العنت فراستاد 🖟 نه ) 😅 🖟 المفده سال نفره كشيد وكف كرد و فر بادزدخارجي مانع ترقي ون است الدا المان محتى أسه هم نغورد كه بداي ومعط اساس مقدس مشر وطيت وتشييد مبانى استقلال تا اخرين قطره خون کینین را سدهد ۹ بهیج وجه

يس چطور أ بدو ر . توسل به هَيْجِيكُ از ابن وسَائَلُ ﴿ بُدُونَا يُنْكُهُ اول مرقم را از اذادی مست بکند-بي الكه بدوا حقوق رنجبر ابه توده بشناساند 🛎 قبل از انکه برای حفظ المعتَّوق كَارِكُر چند ونك سو سيا ليسم ي بيرون بياورد - بدون هيچيك ازاين

مقد مات منزو رسیے ژاپون تر تی کر دم بلى = ر دلاف عقل سليمما اين ومجنوه واقع شد ويره الهوارا

﴿ هُوا خُوا هَا نَ. عَظَمَتُ وَ اسْتَقَلَالُ

رُ ايْون عقيده داشتند كه استقلال رَأَ بِا حَرْفُ نَمِيشُودُ مُحَكُمُ كُرِدُ -أثوب ونظام بايد داشت . آیرانی ها معتقد بود ند که فقط آوپ ونظام را نميشوه از ارويا نقليدكرد

وكرنت: ﴿ ﴿ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ اللَّالِي اللَّهُ اللَّا اللَّاللَّا اللَّا الللَّهُ اللَّا اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ الللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ ا مدارس ادارات - جرخماے سیاسی اروپا همه را یابد به ژا پوق آورد ، وملن پرست هاسی ژایون عَيْمَتِي فَهَدُيْدُ نَد كَهُ مَدَارَسُ - ادار ات وچرخهای سباسی اروپار ا فقط با زاه اهن میشود وارد کرد و یا نبول میکن است نكله دلاست .

ابن بود كه اول به تشيير اوحناع مادي پرداختلد ." المالات هنوز دوسال از نهمت نكذشته برد

که شروع به ساختن راه اهن دید . ا هرسال مقداری عطجدید کشید د بیست و چارسال پس از نهضت ژلبون صد و شجاه و نه فرسخ راه اهن دائيت و يه پينورو دارو تاسميا

نه منال بعد طول خطوط اهن به نهمند وهفتاه وينج فرسخ وسيد . منج سال كفشت هزار و دو ست و نجاه و هفت فرسخ راه پیداهد ه مبزان امروز تقریبا دو پیدا است ا همين قسم درساير مسائل اقتصادى رف نزدند – خطبه نخو اندند 

أ دولت أز طرفي خودشكار خانه اورد - از دارف دیکرمردم ر اتشویق کرة کارخانه بیاو ر ند . 🖟 😘 🏂

هنوزچهار سال از نهضت نکذشته بود که دوات برای سر مشق دبکران کارخانه ایریشم زیسی راه اقداخت ــ پنجسال بعد کار خانه پشم ریسی ویارچه بانی و ارد کرد – چمار سال بعد دو گارخانه بر رك نخ ريسي اورد بملاؤه برا سے سمیل گار ارباب صنایع - دہ

دستکاه نخ ریسی از انکلستان خرید و در داخله بمده أى فروخت كه ده ساله 

مركس كارخيانه كتان ريسي داشت دولت هرسال مبلغی اءانه داد. کارخانه هَالْحَسْنُ كَاغَدُ ﴿ مَاشَيْنٌ ﴿ مُمَابُونَا فَأَ خینی سازی همه را اول دولت اورد وبكار انداخت و المالية

افراد کم ، بود - سبك کار های تجارتی و صنعتی بر ترک را مردم منوز أني دانستند - دولت پیش افتاد شروعکرد وژاپون جدید برا فاخت ۱ ... من در در

اركرديم بادولت بيجاره خودمالها الينه بان بدجلس نيامدا المناء المطوم فيدت اين الممة المروزة و

فردا فراجه جيت ا فردا چه پیش خواهد اورد که مستغورابت وسعيكلات ايروز وامرتنع

The same of the sa

ما از ابتدا باقای مستوفی کفتیم که در شکیل کابینه تسجیل باید کرد این معرف موثر نشد . هر تروز اشكال تازه يا خود اورد • هر چه محظو ر اجدیدسی برون دا د ۰ ،

با این تجربه بازهم باید فکر کرد و دست بدست مالید فر

ساست ورفاره were . The file of the

ه در اطراف سلح ، الم امروز عثبانی میان دوقوه منداد -مَلْفَئِينَ و روسية قرار كرقله . \* المُنْفِينَ

أ كدام يك الأوا بعارف طود خواهند اید دید منافع روسیه در مثمالی

چيجرين در نطق الحبر خود اظهار و ساست ماکاملاههاییر وسیاست نیزازی

مقاصد ماهم إسابق فرق دارد ماما این اظهارات بیشتر راجع به تضایای

( ۲۷) جادی الثانی ۱۹۲۱ (۱۶) نوریه ۱۹۲۴

المرابع المرابع المستسراك والمرابع المرابع الم

way askes which will

من من من من قيمت الله شها رد تا يك ماه على است

المالة من عنيامه والمستحدد والمله المراد المرت المت المراد المرت المت المراد المرت المت

﴿ يَمِرَاى آلَكُ ازْ عَكُمْ خَالَمُ مَاى صَاحِبُ اللَّهُ اسْتَفَاضُهُ كُنَّايُمُ مُوضُوعٌ دَيِلُ وَأَ الْمُسَابِقَهُ 

م حوات ها یاید تا دهم حوت باداره برسد . م حواب باید بقدری مؤجیز باشد که بیش از یك سقون روز تامه را نگیرد ؟ الله الله الله الكه حواب ها رسيد و غدراج درج شد - اداره هيئتي زا ليين خواهد محرد ك مرد آن ما وا با به طرف و دقت كامل مطالع، و سه جوابي را كه از همه

الح الت أنخاب كلنداء الله شاء بنويسنده هريك از آن سه جواب جايزه تقديم خواهد شد . عن ا جایزه دوم ـ رك جال خمه قاامی ه

المارة سوم - الله قاب عكى خاتم المارة الماد الماد

سرد باید چه مقانی داشته باشد کا باتوان کفت شوهم خوبی است ؟ در اید چه مقانی داشته باشد کا باتوان کفت شوهم خوبی است ؟

منهانی و مسئه بناز ها است ت برای منفتین ا و عنیانی و گله مشرق زمین اهیت زیاددارد النان مبدعد سالت مربوط به مقامع ملكي الله " عواه در دست امهراطور اعد

لرال قر دلت بكفر أعزال " The same of the same

يين از جنك روسة ازطرف در إدورا خليج قلاد 🌥 پحر امود ٠

الروز عليج مطوعد مو مست عمالك متحدة الليك الت ( النوان لل الوان -لَيْوَلَتِي ﴾ ، هم وقت بعنوامند آلزا يووى رزية خفرة في كلام

ور بعل أموق مكن روسيه جميان المارة . ألى أل أن أل طريق دريا لمتوالد محكمي حدله حكاد وأسى عكن است أمورد خلة والتم خود ، براي الين من عُرَّامَد حكايد وريان سيامة بني بنازها ور دست عنهانی باعد به کسی عق عبور کشی جنی از داردانل و سفر داده شود . وبرا فتو بان وسبة مي تواند مطمئن عود از راه درا يو جله لينواعد كردا.

متنتین این قاریه رارد می کنند زيراً مي داند روسه بك دولت بري است ساز حلهدر درواعاجز است مدودواهند این مزیترا برای خود اکلمداوند الم ابن جهت أو فق الظر إبن و المقان و روسيه حاصل کی شود

المناف علمان شرايط منفقين وا يبذيرد روسية بالو يهد خواهد رد . عات پيشرفت علمه المراطيون آناره هم همين است

واراتوراي في علامه مذاكرات در جامه اوم سهدنيه

خِاسُ بِكُ سَأَعَت و أَبِع بِنُووب أُدر أحت رياست آقى مولمن المك تشكيل شد

عدكمس اجهوزا فردا يبراي يلميهد ارت جکورت نظمی در آنجا کم گروه

وبدائل جان جد بدائد کر اور ا الله في نطق النا كا المالي المالي ربع مجوع آراه را بأراباند و اشان این یاده زوم تدارد عاانین متبعه داشته که برای این است کاکسی یا ۵۰ یاصدرای و کیل انتوه آقى رئيس بهآقى مفاشيراه اتلهار داشتد كم أين ياد داشت را شيا لوشقه ايد

آ قاي ملك الشمراء نوشته بودند كه بلده بلز مد خلار مهادك را متذكر مبشوسه كه در تدريد و عاخد اجزات ماطه بسي عود واكر اين زيب مداومت فايد بنده ازمجلي خارج و در حراید اعلام خوامد داشت

آ قاىرئىس فرموداد بايسانىدانيد ك منش هاراً من التخاب فكرده ومجلس التخاب أرده است بك روز ديكر هم يعاور تحكم اجازه خواسته بودندان جيزى فكفلم حالا اين طور أوشته ايد وفردا مع طور ديكر معامله خواهید کرد شیا باید این میله را بدانید که اکرشها انکائی بیك مناماتی دارید که بزور وجير فبتواليد أجازه بقييد

أقلى ملك الشمرا اظهار داشتاد ك عالب گفایان مسیواند که در مسئله اجازه یلتبی لعندالى عااست باكتريت سابق و اقليت تعلي

بدوا درطموس بود عمار فيسفاكراتي شد راز در في رئيس كيمون ج دجه اظهار ر در بلدوس تهوات چکونین علمان ساوه ودراه هم از طرف من هم از مجلان مذاكراني بعول آيده و اظهاد شد يجمعهم

مرد الماليليان والديدات

ابشان حواب داداد گهای آگی رئیس إد دلنت را ب منعی داده و ظهار داشتند که قرالت شوه

الكابس مقيم أسلاماول بعضمت كاشا يبضام

داده است که همه وقت برای امضای عهسه

نامه خانه اشت و عمدا و خواهش کرده که

The state of the s

ها و آلمان عُما عر إلاحية روام ) ادامه

ارد ، قوای فرانسه شهر های هوکسا و

ن ) و ( والرسكي شن ) و اورات كرا

تأحية البر ألمد ) اشفال كردة الدويدين

طريق الماازت كابه الحطوط سرحد روهم )

ر ملطفه انكليس در دست فرانسويان افتاده

ات و أبواب أجارت خارجي السان بكل م

معدود شده و فقط باادر بخرى مى قواند

استفاده مستحدة و فرانسوى ما اعلام كرده

ر که اگر کار کران راه آمن اعاماب

پس از اینکه در عاکات مسکریه حاکه

شدند اعدام خواجد شد جلد نف ديكر از

مال وسمى المان وا وليد كرده الدرور أز

جه رکیس شعبه راء آهن در ( ارچ )

مي باعد امور راء آهن ها بواسطه اهسالك

متوالي از يكدي كي إنها شده و در الحه

ر ماویر ) فرانسوی ها وکی افاده داه وا

ودت عود كريته الد كله أيت كاهرا

. کان - افرا دوی ما فار عالیات

رالت سازی مونت ) تردیلت هیر داده )

را مقدرف تحديد و بابن المقلبت الحراكران

اعتماب فودادا امروز اسبح اعتقاب الا

كران معادن در، تاجيه شارا ، تشروع شد

وامرت واسل اذ دور لدوف ، جاين مشسر

شائسان المان در ناسيه روم حسي رمناومت

ار شعه أفريك صليل عده الث

در المقساد ساج عجله امسابند الم

ناحية رودر بهيار سياريه بريه بريه

( دو این شمن طواستند خارج شوند ) آقای رئیس له میخواهید بیالید ، میخواهید ليائيد . من از شما مناسف ترم ، زيرا شما بعد از سه دوره والت هنوز وشهرت و ظادناهه عجاس وا نمیدانید ﴿ يِكَ عَدِد أَرْ وَكُلَا خَيْلَابِ فِهِ آقَالِي مِالْكَ السَّمْرِ أَ - بفر البد - بغر ماليد ) أقاى ملك مماجت تمودند آقای رئیس فرمو دند که به آقی وللك العرا الوقيه مبكند كا تسائل عرمانه ا عرّ بين نباشد كافذي مأريسيد عرماله يمد ميرويف عر محوار جاش بعنى حرت ما البالكليدو المجاول عود فان مطابئ را مبلویسید که اگر العيام تكرفت در ووز قامة ما اهلام كنيد البروة ابن الت ك فيار معال طن باشد و السلب شودة مويزي عني المالد والد به دائد الده ال الم الم المن قد الماموقع النفي داد. شدهو بن الربك ربع لكيل كرديدمبر وحد وزارت والمامة المات ويس از طلمتر عدا أوه از المرف عير كمفروز لايعه مذاكره الفرداد كردند Line with with any attitude, him

الله المعارسوري

بمرجب اطلاقی که حاصل قموده اید أَوْ طَرْف وزورت ماليه يه إرحان الدوله رئيس ماليه زنجان اعازه إنسير جنس داده شده

، سر خاك بلور

﴿ از عمليات آ رسن لوبن ﴾

كوچكنرين حركات وگيل را مهاقب بودند ، نكاه

مُطَرِدُ زَادِ كَا أَي [ دو برك ] خيلي ساده ود و

های او ، گتاب هائی را که س طواند ، کا غذ هائی

وا كه مي اوشت مورد دفت قرار من دادلد .

﴿ كَا بِدُا كُمِّي وَا بِعَنَالُهُ فَمِي وَدِيرَ فَتْ مَ صُرَّتِهَا لِمُعَازُ ظَهْرُهَا

الم الم مجلس على و عضر ها أوا بسة الجلسه خدوماني

ومي رندان ويد المالية المالية

البنه زير ابن كاسه نيم كاسه

ولى ( ويكاوار ) با عجز ولايه جواب مبداد :

اشتباه م کی ، بیموده وقت اغز پزت را از دست مده

َ وَ اللَّهِ اللَّهِ عَلَىٰ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ عَلَيْهِ اللَّهِ مِنْ اللّ

مه المحمدور آزان های پلیس او رفت و آمد آن ما ب

در زبر پنجر، خانه باعث نشویش [ ویکنتوار ] شده

بود و کان می گرد که او را می خواهاند دست کسیر

ابت المنابق ال

ود اخيرا كه بحداب منار اله رسيدسك من شود مماسخ خانزده من از تومات

از طرف رقبس كل ما ليه امن شد كه البن وجه را بيردازد هر آيله أدو برداخت وحه مساعه بشود بقوه حبربه حكم فته

راجع به خالواری

نظر باینکه تا کیاون وزارت سال مُمتَّقِيها در ولايات و الجلات - خالواري را وصول أموده بإفراد من يرداخت اخيرا قرار داد وزارت مالبه و وزارت جنك بر ابن شده است که در وصول خانواری وزارت حلك مداخله نسكر قد در آخر من برج از وزارت مالبه دربانت نمايد The same of the same of the اکید در پرداخت حقوق ا

أَوْ مَقَامَ رِياسَت وَرَراء وَرَارِت مَالِيه لُوشَّنَهُ شَدَّهُ تَعَارُ إِلَيْكُ جَلَّدُ بُرْجٍ حَقُوقَ أداره المنيه و أظامية إرد ترسيده است قدعن نهائید که هرجه ذود تر خاوق آن ها و بردازند كه رنته التظامات آن حدود كسيخته

وحقيقات مدعى المدوى ومستعد قبل در خیابان جلهل آباد گیر خورده ودر روز گذشته إذ طرف مدعى العموم تهاينده ای صحبهات و رسیدگی به مریش خاله فرسداده شد چون شیخس امنسروب در زیر على بوده تحقيقات موكول إرور ويعسكم التاكدشدكة وورو قرقائل رادماكي الليندمامور المراف فرشادة شده است المراف

المراج ال از مشهد شکایت مفعلی بوزارت داخه الله خان برای افراشتن بیرق قتونی از نایب الحكومة و رو ساى ادارات و تعجار وعموم رسیده : که در اول سال شعبه نواقل را که ك ازشميات لازمه اداره يلديه احت موجب تلكراف مركز از أواره بلديه عبرا أموده الد المهمر الله استقبال كاملي از طرف شاكردان و مایدی آن که میانع کثیری است در شعت عفل اداره ماليات غير مسلقيم اداره ميشود البريك ورودقشوز وبرافراشتن بيرق طواندند چون موايد بلديه قليل است الحيرا مقرر شده بودكه از عوايد واقل مبلنی برای جبران کسر بودجه بلدیسه داده 200

اگر این طور باشد بلدیه آبگای از بین خوامد عمراق - احتشام الفاام وقيس عط زایجیں ادارہ ارزاق جلوگیری از خمل جنس ادامه تحصن وطرف حمدان و ساور ولاوات می اماود واین هديوان مدارس دواق ملوز بحال تعضن اسطه نرخ غله مر عماق تبرقی نکردهدرمان ر مجلس باقی هستند خروار دوازده اومان بحال سابق باق است.

## and the state of t احاروانطور اطلاعات منفرقه

"سيزوار -- إنَّى أو ورود امير ارفع حزب جدید درامریکا أحكمران كمسبون بلدى ازةمأ بادكان أهالي تشكيل تا حال عالك منحده أدريكا "داراي كرديده كهدر واقع كمسيون منهبور قائد مقام أَوْ حَزْبِ سَيَالُمَى بِزُرِكُ اوْده وْ تَقْرِيبًا قَمَامً لديه است حكليه أمورات الديه در أحت المورات آن عما کمت را این هو - مزب اهاره الله كاشبون مبكارة دائرة النطيف الروزي

أفنهف تهر برسد و بحكومت اخطار كرد

حسكه حراية در اليساب أقدام شود

قوسان - قائل ملافلاعسان وكبل-

محد رحيم نظر آبادي بوده و از قرار ملوم

معلم مدر میاس سے ووور ۲۲ علم عابت امان

امالی دغوت شد که در اداره تشولی حضرو

مدوسه بعمل آمد شاکر دان مدرسه سرودی مینی ار

خرم دره - در تب عروسیمهدی

علم حرم دره توكر مشار البه بناى تيري خالى

قُرْ وَالاى بِشَدْ فِلْمُ أَبْسَدًا وَمُ قَمَاشًا مُسْكُرُ دَادَ هَدَفَ

اینگ از دادن رجه استلکاف مشایند 📗 تیر واقع کشته مجروح میشوند 🐩 🐩

مسكاندا والمراق خراد بازار مروت متعجب

المن شد كه يعج عالت آوانها در كرفشاري أو مسامحه

المانيت يك روزى با بدائي لرزان و رنكي با يدة ا

ورزاده و مقسود خود را انجام ای دهلد و

ز بازار مراجعت کرد ه پید کرد.

جرا می لرزی ؟ ... داد

الله بن جاره ( ويحكاوار ) نشسته با كال زحمت

کفت ، عجب ا یقین می خواست ترا برباد ا

مجواب داد : خير . . . بك باكن ! ن داد

کفت : پس برای چه می ترسی ؛ لاید در

كفت : خير . . . بهن كفت : ( اين كاغذرا

رباب خودتان بدهید ٠٠٠٠ کفتم ز (۱۹ربایم ۱)

كنت : ﴿ آرى يه آن أَ قائلُي كُهُ دُراطَاقَ شَيْمًا مَازُلُ

ابن جند کلمه را ادا کرد : بلک افر نا شناس .

بك المر فأشنا من درب دكان ميوه أمروشي .

المزديك من آمد و المحسسة

مكستوب أظهار عنق كرده است و و و

را میکندارد مربیز و احمد نام که

مبکردماند حرب دمو کرات و حزب جهوری که در تحت نظر کساون در آمده تایله ادارهٔ ور ایام حال یك حزیبي در ایالات اهالی جندین مرابه بکسیون اظهار شیال فربی فشکیل یافت که اعضای آن پیشتر وأشته الداكه يسايد طايدات أواقل بمصرف أُ هُمُقَادَانَ آمريك أُودُفُدُ وَ أَكْرُ حِهُ مَا اندازهٔ در سیات عاصت مؤثر بود ولی عاوان مهمى بيدا لكرد

طايدات أواقل بمعرف شهر أوسد ما الحيرا حرابد آمريكا تذكيل بك أزُ مَادن مَاليَات، وأمَّلُ اسْنَكَانُ حُوالْهُمُ ورز إِد حزب وادينالي را اعلام مي دارند كه معلد روز است "ارخ عله تازل الموده است ا الدازم توجهات را بواسطة ليدر ابن خبرب يندر هباس - عده فتولى كه درج د (الأفرات ) الممروف إخود حلب منهابد روز قبل برای حلوکیری از سارتین به کلقاسی طرفداران ابن حزب جديداز أعضاى دوجيزب فنه اودند مراجت نموده از سارتین خبری مهم فوق تشکیل مهشود و احتمال میرود که در آتیه یك مامل بزركی در سیاست عالك

منحدة محطوب إدود . الله عليه الما يروكرام خزب واديكال عبارت امتاز عالمات في قورة كمركى زواد – موافقت ب سُلْحَ طَلَبُ اللهُ اللهُ عَلَمُ سَلَاحٌ مومى .. ﴿ قُرَادَ كَرَالُي مِهُ المُوالِكُ ولِيبِتْ وقوساكيم هزاان إسا سياس أميرو لزم اسبت إيا

مكريك : المداود والمديد والمديد عجالنا احزاب قديمي ويك خار منسوسي الله ١٠٤ والكو أوان يُسته بالله والله حزب جدید فکا میکنند و در عین حال وأسط الفوذ والدى كه در أين مدَّت مختصراً

تحميل كرده أز مواهيت آن هماراناك هدين مرد. هدين مرد المسلم الم منجستر كاردين هفنكي مورغه كالااوامبرا ۱۹۳۲ شرحی در گذیدن سیکار و فوائدی که

داره • ) لوين بخود لرزيد. با كال خيرت كنت : عجب ا

زود" مكتوب را بد. به يلد من في المنافقة المنافقة

در جوف آن بود که این جه در رویش خوانده می

شد : [ توسط ویکتوار ] به آقای ( آرسن لویں )

آن سفحه کاغذی بیرون آورد که این سیند گامه را با

﴿ عُمَايِاتُ وَ حَمَرُكَاتُ شَمَا كَانِهَا مِي قَالِمُهُ وَخَطَرُ أَكُ

( وَيَكْنُوار ) از ترس كاله كرد و بي موش شد

امًا لويَّن \* مثلُ آيانكُم أدشنام شنيده باشد \_ رنكن كَالكون

كشت و كان مى كرى كى رقب زيردستى مراقب عمليات

عفيانه او است و أيفك خواسته است اورا أمحقير فموده

او بغیماند که از بختی ترین حرکائش مطلع است و

در من حال لو بن ديگر ازاين بابت حرفي نيزد ,

أنكر به اطاق خود رفت شبراً هد أخوابيد -

هستند , . . بني هُوده خودرا رُحْت نده د . . .

حرف درخت زوی آن نوشه بودند:

واكن أبدأ آدرسي ادائت ، أما يك ياك ديكرى

أَسْنُ فِأَكُتُ وَأَبِّا كَمَالُ عُنَّابِ أَيْآدُهُ كُرُهُ \* إِذْ عَبِدَأَنَ

اسخی نانس می کند دود آسبکار بك علاج

حريده فوق الذكر مبتويسدكه أشمناسي ناد البه سيكار فستند وقر شهر هاز تدكاني نهایات عدوما این مادت را از طریق معاشرت تقليد بدست أورده الدراماور حلم بك ذت زیادی از استعمال آن آمیر ند درسور تی كه دروسا فرت به حيال مرتفعه استعمال دخانيات حزو یکی از واحیات شمرد. میشود 

ميدانيد عارج نفامي امريكا والكيس نرانياو ژاپون در سال کذشته (۱۹۷۷) 

امريكا مادلشن مليارد و سدمليون الك خلابراي قدوش غرج كرد الكلمنان رُابِونُ مِكَ مُلْيَارُهُ وَ لَمِمْدُ مَلْيُونَ لرانية بك مابارد و أمشقه وبيت ومه

میخواعید در ست ملتنت به وید-ملهاردپ

البه موش طبعي شهايشها حالي جواهد

كرد كه اكر يك ميليارد طلا را مغواميد إ وسائل وطئ خودمان حل كليم عندر الاخلازم

مايار دومملك ما لمخواهد آمد كالأغ كرى أسماب زحت مد شرد ۱۰ مه مورد

قر دل می گفت: ( از تفکر جه قایده میمنور است؟ )

من دچار به يك مسئله شده الم كه حل آن يا فكر صووت

بذير قيست ، پر واضع آست كه من تنها در كا ر

( دويرك ) مداخل لمي كند ، الله ما أو والبس .

غير أزون كه شخص اك هستم ، شخص واسي عمر وجود

احت و أينا براين آيا إذ تفكر مي توان تتيجه كرفت ٠٠٠

خبر ٠٠٠ وايد خوايد ٠

بېدارى بسر، ارد ٠

د که بخوبی مرا می شداسد حرکات مرا مراتب

أما خواب بحثمن قامد أو مدنى أز بنب را و

أَمْرِيهِا حِيادِ أِعد أَوْ مُصف شب ، صداى بِأَتَى أَوْ

جَالَبَ حَيَاطٌ بِكُوشُش خُورِد . فوراً از جَا بَرْخَاسَتْ والا

بلای بله کان [ دوبرك] را دید که از طبقه اول باین

آمده إطرف باغ رفت ، ي يه ١٠٠٠ الله المحال

سرش دو شال کردن پوسق پلهان بود به مهاجمت گرده

اطالق تحرير رفتد

ا پس از بك دقيقه و وكيل با يك نفر ديگر كه

لط في تحرير ( موبرك ) إ أطا في لو بن دو يك

التبرا برای اندے شف قد، ذکر میکند كايينن فبنج كه خبرا ازمسافرت كوه (اورست) براجعت کرده اظهار میدارد کا کشیدن كك فوق الماده به كنفش السان دو ار أفيامات زاد من أميالد أشخاصيك بيست و أينج منار يا ارتفاع وا طي كوده بودند مدمى هسالمد دربك هم چه ارتفساعي كه السان

وبار ملبارد و شاملًا ملبود .

- بي طرق و كوده بيرى درسياست دايا المساسة ويات بالا قبل از بيدك در ارويا اذ بود " ارای بعل متدار طلای خاصی کیك ميلياود قيمت كآن باشد قرابي راه الداخت

رًا که در قزوین ادار، مرکزی دا، خمال دوی داده بر حسب راپورت تکرانی رئیس اداره رواء مزبور أبن طور شرح می دهد: بواسطه فنات خزااهدارواه و گذادین

مساعدة بودة أتش كرفته أست - أزايس خوبی است اداره راه معادل اسکناس که خزانه دار اظهار مى نمايد موطنه و نقريبا هشت صد تومان وده از حبب خود به محاسات راه می دهد که پس از زیمهای اکر جانجه این مساله انفاقی بوده وزارت خانه ارتبای پر ای و حدمی ور بدهد - اقداماتی که دراین موضوع اممل المده المنت : - يا الماه المنت المنت

از طرفوزارت خانه مهامهبه علميه من كمز نوشته و تاكيد شده است كه روسيله تامينات قزوين اقدامات لأزمه إنهاده

وزارت عاله ووزارتماليه مامورين در محل براى تفنيش ممين لموده الد -مجالها جيزي كا منتي است ايناست مد كر آ دهيو ادار دراه و علمات آ د آني

﴿ اشهاص و اشباء در ايبران ﴾

و تقر لما ماداد كا زلا مريا كا قر

حِيل و شنى سال قبل - بايران مسافرت

از آن جاکرجه صدای آن هارا نمی شنهد , ولی

اول ملنفت شد که شخصی آازه وارد مرد آبوده

و زن انت ، بسیار هم زیا و دافریت می باشد .

موحايين سباه ، قدش باند و حركانش دايسند هاند

این زن استاده ، بهبز تکبه کرده و بکلهان

و دوبرك ، أوش مه داد ، وكبل هم در مقابل

ایساده حرف می زد ۱۰ کرجه ( دوبرك ) پشت یسه

لو بن أيساً ده بود اما صورتش درآ ثبته منابل بعنوای

حركات و قبافه او بنظرم آنا احث .

بعذوبي أن ها را مي توالست به بيند .

أداره طرق وشوارع طهران قضاحراتي

سیکار خاموش اشدهٔ در تحویاخانه سه میزی

که در کشو آن میانی اسگستاس و بار اسناد

نگھ ہے حايد ديكران اخارطاره

ور اطراف گافر نس لوزان فلل أرويلي ما جست - درخموس آداب ا فرك ما مي خواستند يهر رسية شد. است والعدد و تدلالي عا حروم قاط و يكل المخم نفاق را عابين منظين إياشاد و حق إ عالم به فسرواني مع هسته الله و الله الموداد با بن تقل ا ست كه ما طوال ماديم مشكلات كار متنقين هنوز عانمه وبدا تكرده من بعد قطمانی اذ کلب ا روبانی ص بوط است و بایسی کوشش فوق الساده برای وابران نرجه و قارئين خودمان را از عقابد مواب و اجراي مباهد، صلى إممل أورد

ويكران متدق البيان والمراق المراق الم 

لندن - غبر سیاسی جراده دلی كريائل والجع به تامقائي كامطيومات فرانسه از تنبجه كينمانس لوزان أعاوار نموده بودند و بلا تتبجه ماندن كنفرا نس را موفقيت

برای کس که ایران را ندیده و انط از قبلهاس انگاسلمان و الموجت سیاست ارائمه دالسله بوداد جنبن اشعار مي دارد كه اقدام از روی نوشلجات شاهراً به اشخاصی کسه بوانكاره در اينك ترك ما وعدم دادة بود راجع با بران تالیفاتی کرده اثند این مملکت در صورت انقطاع مذاكرات با آن هـــا وا می شیناسد ب ورود وایران از واه سلح جدا كاله أيابد بإن عات عنهم مالد ك مازندران و منقاره اواین شهریکه وان میرسد ها میدند دو صورت صلح جدا کاه جنان بر خلاف انتظار و غد انكيم أست بهش از این لمی تواند از فرانسه جینزی كه نبي ثوان يقلم آورد اكوجه ها تنك. بدست آوراد چونکه فرزااسه در دوسق خود بى سنك قرش - بدون نظافت ؛ خانه ه السبت به اراه ما روده دوی کرده و دیست يدون ينجره بخارج – وادما همجاكرفته-

> خبزن از در و دیوار می بارد ا ابران ماوز یکی از آن ما اك اسبائي استُ كه فوق العاده در أمدن جد مِدْ عنب ما نده أند بكي أز دلائل بزرك أ بن ارتاب دوری آیران از مماکن موره أمدن دنبا أت . ف البود ف وا. و وسائل نقایه جدید آیران وا در این حال الكاهدائة، - فكر و اطلامات مات صار محض است ، ابرانی – حق آن کسائی که دارای ملومات مسرله على منته - از آلجه فظر اووبائی ، الومات منهدة محسوب می دود كاللا بي اطلاع وعارى است ، بقدري جاهل

رُسْدِه اللَّهُ كَ جُون مِلْق كَ رَرَاي خَرُوج سفاین منفین از بندر ازمیر مین شده بود مناسل کردید، ود بندو ارمع اوسیه مین أست كه مبل ندارد حبييز نازه إد بكيرد أ أي مر جد سفاين فيجارتن هي أواقته إ

خبرى أدادت إن ها بدهة بومن مااست

ترك ما بخيال بدأم الد عن المكالمان

أَفْسًا وْمُ أَرْدَابُهِي أُورَ خَصُومَنَ كُالَى بُولَى وَا

موسل داده و از گرزن تفاسل امؤ داد ک

رضابت به ملح جدا کانه دهد ولی کرزن از

اجايت ابن مدله امتناع رزيده زيراشرافت

اجازه نمي داد كه انكاسنان متفقين خود رأ

رات دهدا د الله المالية المالية

﴿ لِمِرْسِ - از اسلامبول جنين وابورتُ

كالما الملاحم الما الم خارج شوالها (3) in the state of the same 

المحمون ) معاون امير البحسري دو كنى ،كروادر كموراسوا ، امرود منبع بدون مبع مناوس وارد از مع شده و نفر مالده قوای ترا اعلام نبود که در سورتیک طرف أمرك ما مبادرت عجمه بدوم أو هم وسنور داردكه حله مقاله بهاما ما ورین طلی آنفین یاد داشت جدیدی تسليم حكومت آغره نموده و نفا ماى اسخ حکم وحمت سفاین وا گرده آند . جراید قرك وضبت حان والخبل سخت معا الد إحيالمات عامه در آنتره حيل نوز-ج

قده الت .

عدى المدام كرفند كه تبود المه على الرك

واخيار اخير واسله از آهره رضايت اولياي امودننامي ترك دستوو داده الد از حدوث وقايم خيومت آميل در دادر علمانی ممانمت نماید . ( بید ب ) •\*•

أبد كاملا الجام شود والمايازات و أصوبلاني

، عصمت بإشا در لوزان داده است بايد النش

ووز وكشاء مادك أسراى جنكي يولانو

ارك توروع ماغوة ونايك ماه خامه خواهد

of the wife makes to

مطبوعات اللاديول إز البجه أفضيه موسل

در وحمد أو اشطراب باعند ، مانل مونق

ارك أشار ميداراد كهاد داشت راجع بسفاين

حِكَ بِهِبِجِوجِهُ أَو لَبِأَمَانُومَ نَبُودُ بِأَكَ مُنْحِدُ

المالي بوده أست كه كايه مال وا از تصميم

ارقان حرب ترك مسيوق كرده است وحكة

سفاین که از منار آون بیشتر ظرفیت مارند

الما المراف واحل از اسلامبول حنين مشمر

البنت في افرا طبون آلفزه مايل المستند كه

القطاع مذا كرات لوزان قمام استعفرالس

الصور به شود و بهمين مناسبت " معدول المهية

والمال أمرض و حله به متفقين مي بالمد

رلى أعد البون وإن اميد مسللد مك وجس

عسمت إشا حكنه الرازو را بسمت آلان

منان - مناكران كه در از در بين

اولیای امور بحری منفقین و عشالی جربان

مسطني كدال فاشا وارد الرمع شدة وجهر

یافته پهرودی وخیات را نشان میدهد

())

حق ندارند در ازمیر نوفیف ایابند میشد

A STATE OF THE STA

the way on the party

بوكارست عدمت بإشا بين از ملا كات است كه در كتيبه مسافرت ( مستوول ) وزبر امور خارجه مازم اسلامبول كرديد ( ب ، ب ) و شدت حمل دولق زياد قر شده است و عضوما در [ كوملق ) عده شروع اعتصابات أشوراي كبيدر هما درطي يك خلسة

> زند و آن زن را با جانگا، وحشیانای تهدید مینهاید علا يودلد و يتجره مر دو سوت باغ باز مي دد كويا زن مم بالاخره ازكلمات او كل شد ﴿ الْمَانَى لُو بَنْ مِعْزُ لُهُ إِنَّا لَا عَانَّهُ الْمَانَى تُنْحَرَبُرُ وَكُلُّ بُودُ الوین فورا فردای از طناب را به فرده ایسوان بسته سرازير شد و چون مقابل پلجره اطا ق تحرير وسيد أونف كره ٠٠

آهسته روی من میدد ، کویا شرایطی دایطرف تحمیل

ديد. مي شد . لو بن ديد كه حكوله يا تشدد حرف مي

گرفته بطرف خود کشید ولی زن او را بشدت ازخود المسمول و دل كات: ابن ذن را كجا دنده ام ؟

ولي زن ايدا حركت لمن كرد و متحرانه دوبراد ) می نکریست و لو بن سمی می کرد کهشاید از قبافسه او خبالات دروتی اش را حدس برقد ا كاه مانة ت شد كه ذن سر عود أوا بر كردائيد. وبازويش

اجه روی مندلی انسته سر بزیر انداخت و ان دید که اشك ور روی گونه هایش جاری است و در است نا کهان وکبل با یك حركت و حشیانهٔ زن را ب دور گرد و کنه ای سر و رواش می بادید ، آن وقت م دو مالند دو دشمن جاني احظه بيكديكر ناريستند . هر دو ساک بودند ، [ دومرله ] يا حالت سبعلی ایست و از او شروع بصحبت کرد . با هست

آهسته حرکت می کند ، ﴿ وَ اِنْ مِنْ خُرُو صَحَفَت : خَالَم يَا آن مَنْ

المتهای میز بود بر داشت و سر آنرا که تا نیمه طلائی ر را بقشم حرکت داد که لو پن فهوید به مود المل عد الت و المالية المالية

زن هم شر تنك بلوو را جسامجو مبكله و و و معلم عددا آن زن را مورد دقت قرار داد تمجب حسكرد كه حكواه در يك لحفه ، سبهاى مبهوت و ساده اش به یك جهره عبوس و کنه آمین ممدل شده است و دید که دستس دو ووی میز کردش کرده كمتاب ها را آهسته پس و پيش من كمند. تا بالاخرم تبعه تبز درخشده را که زیر اوراق بود بدات آورد و اكمال غضب قبضه آن را كرفته و در المالق ك ( دَوَ بُرِلُه ) مشغول تحيث يُوْد ، أمسله از قف إللد

و عجب تر از همه این بود که ایدا او را مورد ملامت و توبیخ قرار نداد ، گویا از این وفایع زاد دید. بود خون که شاقه ها را یا بی قیدی قیا مالا

مبرَّبِخت و ناله مي كرد كه تيام اعدايش من فرزيدند . عددا و دوبراد و به او نزدیك شد و حدد كلمه یا او حرف زد و باز با دست دو سه ضربت رو مبن الواخت، اما زن يا سرعدم رضايت خودرا ظاهر أمود "

لو بن در دل كهت : طبل غريب است أ أين

Action when the market of the second

علمانی لرد کرزن بتوسط امایلده طل حبزنی آدوده اند های در در در در بتوسط امایلده طل دید که او آمسته دست دراز کرده نکررا که در زیانی خیال شیطت دارد و در طیال بود ( ویکتوار ) را به کلک بطلید د ، مماینه کرد و عددا بجای هو د کذاشت و ا ولی چون آامل زن را در زدن دید , السد کی توقف أرود وأدر هبن أحفاه مجددا غضب زن شديد شد و حرکتی کرد تا کار حریف را بدازد ولی ( موبرای) الله از روی ملدلی بطرفی جسته و بنا مهارت المام حربه رأ أز دست أن خالم بيرون أمود و

الداخله در اطاق شروع بقدم زدن کرد , وَن هم بكوشه نشسته من كريست و جان اشك